
ap

گزارش تفصیلی «ایران» از طراحی سرویس‌های بیگانه در ایجاد زمینه‌های قبلی اغتشاش، براساس بیانیه مشترک دو نهاد امنیتی کشور

همه چیز درباره «پیش از آشوب»

امیر فرشباف
روزنامه‌نگار

در هنگامه چهلمین روز از آشوب برآمده از بهانه فوت خانم مهسا امینی، دو نهاد مرجع امنیتی کشور یعنی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، بیانیه تبیینی مشترکی منتشر کردند که حاکی از نقش دولت‌ها و نهادهایی خارج از کشور در تحقق و تداوم این اغتشاش بود. در این بیانیه مطالب و نکاتی درباره شیوه‌های ایجاد و استمرار آشوب مندرج بود که بی‌سابقه به نظر می‌رسید و دلالت بر یک نبرد چندوجهی داشت؛ این جنگ ترکیبی متضمن راهبردها و روش‌هایی بوده و هست که برخی از آنها مانند شیوه‌های تأمین مالی اغتشاشگران بدیع بوده و برخی دیگر قدیمی‌تر بودند مانند پروژه کشته‌سازی، اما به هر تقدیر، آنچه اهمیت دارد این است که در آشوب اخیر، تمام این شیوه‌ها به‌صورت ترکیبی عملیاتی شدند. نکته مقدماتی دیگر اینکه شدت خشونت اعمال شده در این اغتشاشات آن قدر بالا بود که فضا برای اقدامات تروریستی از هر زمان دیگری مساعدتر بود، البته در این میان از نقش اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و روشنفکرانی که خشونت و ترور را تئوریزه کرده و می‌کنند نباید به سادگی گذشت و در فرصتی مستقل به این مقوله و زمینه‌های تاریخی و سیاسی آن مفصلاً پرداخته خواهد شد.

به طور کلی، درک زمینه‌ها و بسترهای هر پدیده‌ای می‌تواند شناخت آن پدیده را تسهیل و تکمیل کند و یکی از نقاط قوت بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه نیز توجه ویژه و مبسوط به زمینه‌های قبلی بروز ناآرامی و اغتشاش در کشور بود. در بیانیه مذکور ملاحظه می‌شود که یک بخش اصلی از ساختار سه‌گانه متن، معطوف به «دوره پیش از آشوب» بوده که دربردارنده طرح و برنامه‌های ضدامنیتی سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه خصوصاً سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) قبل از وقوع آشوب است و در این نوشتار نیز به طور خاص، ابعاد مربوط به همین بخش ابتدایی بیانیه مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌گیرد؛

■ هشدارهای پیش از وقوع

پیش از ورود به تحلیل متن بیانیه باید به هشدار رهبر انقلاب مبنی بر طراحی یک جنگ ترکیبی توسط دولت‌ها و سرویس‌های متخاصم اشاره کرد. این موضوع را رهبر انقلاب هفت ماه پیش از وقوع این آشوب، در تاریخ ۱۹ بهمن سال گذشته در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند و از وجوه مختلف آن پرده برداشتند. معظم‌له در انتهای این دیدار نسبت به طراحی یک جنگ ترکیبی توسط جبهه دشمنان ایران هشدار دادند و خاطرنشان کردند:

«جبهه دشمن امروز دست زده به یک تهاجم ترکیبی؛ تهاجم دشمن یک تهاجم ترکیبی است؛ یعنی جنبه اقتصادی در آن هست، جنبه سیاسی در آن هست، جنبه امنیتی در آن هست، جنبه رسانه‌ای در آن هست، جنبه دیپلماسی در آن هست - از همه جهت یک حمله ترکیبی دسته جمعی را شروع کرده‌اند - ما هم در مقابل بایستی حرکتمان حرکت ترکیبی باشد؛ از همه جهت بایستی تلاش کنیم. البتّه دفاع باید بکنیم؛ اما همیشه در موضع دفاعی نمی‌توانیم بمانیم؛ این را باید توجّه داشت. اینکه من می‌گویم باید دفاع کنیم، خب دفاع یک کار لازم است اما همیشه نمی‌شود در موضع دفاعی ماند؛ دشمن تهاجم می‌کند، ما هم باید تهاجم داشته باشیم؛ در زمینه‌های مختلف؛ هم در زمینه‌های رسانه‌ای، هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های امنیتی.»

اما در خصوص بیانیه دو نهاد نیز رهبر انقلاب در دیدار دانش‌آموزان در آبان ماه سال جاری به محتوای این بیانیه و نقش آشکار دولت امریکا در اغتشاشات چند هفته اخیر در کشور اشاره کردند و گفتند: «اطلاعیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه درباره اغتشاش‌ها حاوی اطلاعات و کشفیات مهمی بود و نشان می‌دهد دشمن برای تهران و شهرهای بزرگ و کوچک برنامه‌ریزی کرده بود و طراحی داشت.»

■ نگاهی به ساختار و محتوای بیانیه مشترک دو نهاد

در این بیانیه، اطلاعات مختلف از مبادی متعدد جمع‌آوری شده و برحسب یک فرایند گزارشی-تحلیلی به مخاطب عرضه می‌شوند. از لحاظ محتوایی اما ساختار این بیانیه بر سه دوره زمانی «قبل از آشوب»، «حین آشوب» و «پسا آشوب» مبتنی است و به تناسب هر دوره، سرفصل‌هایی ذکر شده‌اند که شامل عملیات و اقدامات صورت گرفته علیه امنیت روانی و میدانی کشور می‌شوند. آنچه در نوشتار حاضر محوریت دارد، بخش «پیش از آشوب» این بیانیه و تفصیل و تشریح مواردی است که در بیانیه به طور اجمال ذکر شده‌اند.

در ابتدای این بخش، اشاره‌ای کلی به نقش سازمان‌های جاسوسی غربی و منطقه‌ای بخصوص سازمان اطلاعات مرکزی امریکا برای ایجاد آشوب در کشور به مناسبت‌های مختلف صورت می‌گیرد و در ادامه سرفصل‌های نه گانه تمهیدات پیش از آشوب ذکر می‌شوند. در مقدمه بخش نخست (دوره پیش از آشوب) آمده است:

«مستندات اطلاعاتی موجود نشان می‌دهند سرویس جاسوسی سیا (C.I.A) با همکاری سرویس‌های جاسوسی هم‌پیمان و نیابتی‌های مرتجع، پیش از آغاز آشوب‌ها، به شیوه‌هایی که اشاره خواهد شد برای راه‌اندازی یک غائله سراسری در ایران با هدف ارتکاب جنایت علیه ملت بزرگ ایران وتمامیت ارضی کشور و نیز زمینه‌سازی برای تشدید فشارهای خارجی، طراحی مبسوطی به عمل آورده بود. طبق اطلاعات موجود نقش اصلی را در این میان آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (C.I.A) به عهده داشت و از همکاری نزدیک سرویس اطلاعات خارجی انگلیس خبیث، سرویس اطلاعات خارجی رژیم کودک‌کش صهیونیستی (موساد) و سرویس اطلاعات خارجی اَشرافیت بَدَوی آل سعود و چند کشور دیگر برخوردار بود. اطلاعات معتبری در اختیار است که برنامه‌ریزی و اجرای عملیاتی بخش عمده آشوب‌ها توسط سرویس موساد با همکاری شقی‌ترین گروهک‌های تروریستی صورت گرفته است. شایان ذکر است که پیش از حادثه اخیر و از سال گذشته، ائتلاف مذکور، موضوعات و مناسبت‌های دیگری را برای آغاز آشوب‌ها طراحی کرده بودند که با الطاف حضرت احدیت و تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان(عج) و جامعه اطلاعاتی پرافتخار کشور خنثی شده بودند؛ مقاطعی همچون سالگرد برخی وقایع سال‌های گذشته، مقطع اجرای طرح بزرگ و ملّی مردمی‌سازی یارانه‌ها در اوایل سال جاری و پروژه امریکایی کشف حجاب در ۲۱ تیرماه گذشته و...»

۱ ایجاد شبکه شرکا (Partners):

شبکه‌سازی و نفوذ در لایه‌های اجتماعی یکی از راهبردی‌ترین اهداف دولت‌های متخاصم است که ذیل طرح‌های براندازی نرم طبقه‌بندی می‌شود. سرویس‌های اطلاعاتی غربی بخصوص سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) و اداره کل اطلاعات برون مرزی فرانسه (DGSE) بیشترین نقش را در این زمینه ایفا کرده و می‌کنند. بسترهایی همچون فعالیت حقوق بشری و دموکراسی خواهی و فعالیت صنفی از اصلی‌ترین پوشش‌هایی هستند که شبکه مرتبطین با سرویس‌های مزبور از طریق آنها اهداف خود را پیگیری می‌کنند؛ اهدافی از جمله زمینه‌سازی برای تضعیف پیوندهای جمعی و فروپاشی اجتماعی، تبدیل مسائل اجتماعی به چالش‌های امنیتی و سیاسی، زمینه‌سازی برای تغییر نظام تحریم‌ها از اقتصادی به حقوق بشری و نهایتاً انحراف در مسیر مطالبات مردمی و صنفی. در ادامه و ذیل سرفصل‌های دیگر، با تفصیل بیشتری از نقش دفتر اطلاعات برون مرزی فرانسه در راستای تغییرات اجتماعی از طریق ایجاد نارضایتی عمومی گفته خواهد شد.

نکته قابل توجه در این خصوص، ایجاد پیوند میان این شبکه‌هایی است که در پوشش کنش اجتماعی، مقاصد و اغراض سیاسی و ضدامنیتی علیه ایران را دنبال می‌کنند؛ شبکه‌هایی که برخی کارویژه حقوقی دارند و برخی مأموریت ضد صنفی. همان طور که در بیانیه مشترک دو نهاد امنیتی کشور آمده است، این شبکه‌سازی پیچیده از طریق طراحی جدید زنجیره‌های تأمین مالی و اختصاص مبالغ هنگفت و شناسایی و سازماندهی عناصر داخلی مستعد صورت گرفته است که این سرمایه‌گذاری و طراحی‌ها حاکی از اهمیت این شبکه برای دولت امریکا و دولت‌های تابعه است. موضوع دیگری که حیثیتی بودن این طرح برای امریکایی‌ها را نشان می‌دهد این است که در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ یک بار این زنجیره مالی و انسانی زیر ضربه سربازان گمنام امام زمان(عج) آسیب دید؛ اما مجدداً به اشکالی دیگر آن را احیا کردند. تحلیل شبکه حقوق بشری ضدانقلاب مستقر در نروژ، اقلیم کردستان و امریکا و ارتباطات و مأموریت‌های ایشان در فرصتی مستقل صورت می‌گیرد، اما در ادامه به برخی وجوه این شبکه از جمله قطب‌های پیشران پروژه‌های حقوق بشری علیه ایران اجمالاً پرداخته می‌شود.

۲ بحران‌سازی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

در بیانیه وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به چهار اقدام عملیاتی ذیل این سرفصل (برای مقطع پیش از آشوب) اشاره شده است؛ از جمله نشست حقوق بشری اسلو، القای بحران ناکارآمدی، مطالبه‌سازی کاذب و تمرکز روی طیف فرودست جامعه. درباره زمان و ماهیت کلی نشست اسلو باید به این مسأله اشاره کرد که در این بیانیه، زمان نشست اسلو، سوم تا پنجم خرداد ماه سال جاری ذکر شده است و درباره محتوای آن نیز آمده است که این نشست با هدف پوشش برای پشتیبانی از کمپین‌های موسوم به حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها در ایران و ایجاد همگرایی بین این قبیل عناصر در ایران و افغانستان برگزار شده است. نکته قابل ذکر اینکه ۴ ماه قبل از تاریخ مذکور یعنی در اوایل بهمن ماه سال ۱۴۰۰ نیز نشست محرمانه دیگری با حضور مقامات هیأت حاکمه موقت افغانستان و چهره‌های حقوق بشری در شهر اسلو به‌عنوان یکی از مقرهای گروه‌های حقوق بشری برگزار شد که به نظر می‌رسد زمینه طرح «پیوند زنان افغانستانی با معترضان در ایران» در آنجا فراهم شد. لازم به ذکر است که اتباع کشورهای مختلف در ایران ازجمله برخی افراد با تابعیت افغانستانی در تجمعات کشف حجاب و آشوب حضور داشتند.

۳ دوره‌های آموزشی جاسوس - خبرنگاری و براندازی نرم

مفصل‌ترین و درعین حال مهم‌ترین بند این بیانیه، همین فقره سوم مربوط به دوره آموزشی «پیش از آشوب» است و برخی از قسمت‌های آن عیناً نقل می‌شوند. ازجمله سرفصل‌های آموزشی این دوره باید به موارد ذیل اشاره کرد:

«شبکه‌سازی و کمپین‌سازی در موضوعات گوناگون، توانمندسازی زنان، تولید بهانه‌های حقوق بشری و گزارش به مبادی و مراجع تعیین شده، توانمندسازی سندیکاهای تحت امر، آموزش وجوه مختلف نافرمانی مدنی، پرورش رهبران جوانِ گوش به فرمان، خبرنگاری و خبرسازی در دوره بحران، دوره‌های آموزش وکالت رایگان برای حمایت از همکاران پروژه‌های امریکایی، دوره آموزش‌های حمایتی از حقوق گروه‌های منحرف جنسی، آموزش روند مدیریت فرایند مطالبه برای تغییر قوانین، راه‌اندازی کلینیک‌های حقوقی با هدف القای ناکارآمدی دستگاه قضایی و پشتیبانی از اغتشاشگران خیابانی، ترویج شهروند خبرنگاری مورد نیاز امریکا، شبکه‌سازی از عناصر مشهور، همسو و....»

از میان نهادها و بنیادهای ضدایرانی که برگزارکننده این دوره‌ها بودند می‌توان به اتحاد برای ایران (تحت اداره فیروزه محمودی و مستقر در کالیفرنیای امریکا)، عدالت برای ایران (وابسته به شادی صدر و شادی امین؛ مروج همجنس بازی و متمرکز روی اقلیت‌های جنسی)، آیرکس (مؤسسه امریکایی حامی وب سایت ایران وایر)، خانه آزادی (وابسته به سرویس اطلاعاتی امریکا، دولت هلند و طیف چپ اپوزیسیون)، اسمال مدیا (مستقر در لندن و تأسیس شده به دست محمود عنایت مدیر پیشین ایران اینترنشنال)، بنیاد سیامک پورزند (حقوق بشری معاند)، ائتلاف ایمپکت ایران (حقوق بشری مستقر در لندن با کارکرد استفاده از ظرفیت تجزیه طلبی اقوام)، توانا تک (وابسته به وزارت خارجه امریکا)، بنیاد عبدالرحمن برومند (متعلق به فرقه بهائیت و خانواده برومند)، کانون مدافعان حقوق بشر (تحت اداره شیرین عبادی) و...

و از میان آموزش دیدگانی که در این دوره‌ها شرکت کردند می‌توان به دو خبرنگار نشریات اصلاح‌طلب اشاره کرد که در بیانیه دو نهاد نیز به نام و نقش ایشان در وقایع اخیر اشاره شده است؛ درمورد نیلوفر حامدی (خبرنگار روزنامه شرق) و الهه محمدی (خبرنگار روزنامه هم میهن) آمده است:

«رد اطلاعاتی و عملّیاتی تعدادی از عناصر مذکور در اغتشاشات اخیر و پیش از آن نیز مشاهده و حسب مورد اقدام مقتضی به‌عمل آمده است. به‌عنوان مثال انتشار اولین عکس از مرحومه امینی روی تخت بیمارستان توسط «ن.ح» صورت گرفت که از آموزش دیدگان همین دوره‌ها در خارج از کشور بود. او با استفاده از پوشش خبرنگاری از اولین افرادی بود که در بیمارستان حضور و استقرار یافته، به تحریک بستگان متوفی و ارسال اخبار جهت‌دار پرداخت. همچنین است اقدامات «الف.م» که با استفاده از همان پوشش با حضور فوری در شهرستان سقز، به تحریک اطرافیان مرحومه، کارگردانی برخی صحنه‌ها و انعکاس اخبار و تصاویر جهت دار از مراسم تشییع، تدفین و تجمعات شکل گرفته در آن شهر به ایفای مأموریت پرداخت. این فرد نیز آموزش دیده دوره‌های رژیم مافیایی امریکا در کشورهای خارجی است؛ ضمن آنکه هر دو نفر نقش منابع اولیه خبرسازی برای رسانه‌های بیگانه را ایفا کرده‌اند.»

گفتنی است که نیلوفر حامدی پیش از فوت مرحومه مهسا امینی نیز در سرویس «جامعه» روزنامه شرق روند ضدامنیتی علیه پلیس امنیت اخلاقی و سایر بخش‌های نهاد انتظامی کشور را دنبال می‌کرد و تولیدات وی و سرویس مذکور رنگ و بوی ضدانتظامی داشته و دارد.

۴ آشوبکده‌هایی در پوشش اندیشکده

فقره مهم دیگر این بیانیه که مقتضی پژوهش تفصیلی است، اشاره‌ای است که به نقش «اندیشکده»های وابسته به

> فقره مهم دیگر این بیانیه که مقتضی پژوهش تفصیلی است، اشاره‌ای است که به نقش «اندیشکده»های وابسته به دولت‌های متخاصم می‌شود. در بخشی از بیانیه آمده است: «اما غالباً مأموریت این اندیشکده‌ها با گذر از پوشش گفتمان‌سازی و ارائه توصیه نامه، با یک یا چند واسطه وارد حوزه‌های جنگ خیابانی می‌شوند. نمونه آن بنیاد ملّی برای دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) است؛ تشکیلاتی با وابستگی به دولت‌های صهیونیستی و ایالات متحده که دارای ارتباط گسترده با افسران سازمان اطلاعات مرکزی امریکا و سرویس‌های رژیم غاصب است. این تشکیلات کاملاً اطلاعاتی عمل می‌کند و تمرکز ویژه‌ای بر جمهوری اسلامی تحت عنوان «پروژه ایران» دارد.

همچنین نام سازمان‌ها و مؤسساتی که خشونت، ترور، براندازی سیاسی، مطالبه‌سازی کاذب، توهین به مقدسات و قتل عوامل انتظامی را توجیه و تئوریزه می‌کنند ذکر شده است؛ نهادهایی از قبیل: مؤسسه اعانه ملّی برای دموکراسی، مؤسسه دموکراتیک ملی و مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواهی، مرکز امریکایی برای همبستگی کارگران، بنیاد جامعه باز، خانه آزادی، صندوق ژرمن مارشال امریکا، بنیاد دموکراسی در ایران و مرکز بین‌المللی برای انتقال دموکراسی و...

پیش از این نیز «ایران» در گزارشی با عنوان «اندیشکده یا آشوبکده؟!» به نقش این اندیشکده‌ها در بازسازی، تشدید و تغییر ساختار تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، نظریه‌سازی برای خشونت اجتماعی و آشوب، آموزش و توجیه حملات سایبری به ساختارهای اقتصادی و امنیتی ایران و ارسال اطلاعات ماهواره‌ای برای اغتشاشگران و... پرداخته بود.

۵ زنجیره‌های تأمین مالی آشوب

عبور از شیوه‌های سنتی انتقال پول به داخل کشور و چگونگی توزیع آن میان عوامل آشوب موضوعی است که می‌تواند به تنهایی در یک گزارش تحقیقی مورد بررسی قرار بگیرد. تا پیش از این جابه‌جایی‌های مالی به‌صورت معمول انجام می‌شد که با ضربه زدن به شبکه‌های تأمین مالی و بسترهای آن، سازمان‌های اطلاعاتی متولی تأمین مالی آشوب تصمیم گرفتند از شیوه‌های پیچیده‌تری استفاده کنند. مثلاً استفاده از معاملات تهاتری یکی از مواردی بود که در بیانیه نیز به آن اشاره شده است. در متن بیانیه به دو شیوه انتقال و تأمین منابع آشوب پرداخته می‌شود که یکی از آنها عیناً نقل می‌شود:

«اخیراً شبکه‌ای شناسایی و بازداشت شد که از «روش تهاتر» با افراد ایرانی متردد به خارج از کشور، همچون دانشجویان و فعالین حوزه ساخت و ساز مسکن سوءاستفاده می‌کرد. در این شیوه، عامل اصلی یا کارگزار وی در یکی از کشورهای همسایه، افراد نیازمند ارز خارجی در کشور مقصد را شناسایی کرده، مبلغ مورد نیاز آنها به‌همراه پورسانت همکاری را تأمین نموده و از آنان می‌خواستند وجه را پس از بازگشت به کشور به حساب تعیین شده (حساب پیاده نظام امریکا) واریز کنند.»

سوءاستفاده از رمز ارزها و صرافی‌های غیرمجاز شیوه دیگری بود که بنا به تصریح بیانیه، هرچند این پیچیده سازی‌ها و چندلایه‌سازی‌ها کار شناسایی مبدأ و مقصد پروژه‌ها را دشوار کرده بود؛ اما ردّ این مبادلات کشف و با عوامل آن برخورد شد.

۶ جذب و سازماندهی اشرار

این سرفصل عملیاتی نیز اگرچه ریشه‌های قدیمی داشته و در مقاطعی مانند فتنه ۸۸ به طرق سنتی انجام می‌شد؛ اما در این اغتشاش اخیر ملاحظه شد که فرایند سه‌گانه شناسایی، جذب و سازماندهی اوباش، با اشکال پیچیده‌تری صورت گرفت که این مورد نیز مانند سرفصل قبل، حاکی از مصونیت بخشی در برابر برخورد امنیتی کشور هدف انجام شده است. متن بیانیه خود گویای وجوه مختلف ماجرا است و نیازی به تحلیل و تشریح ندارد؛ در قسمتی از فقره ششم از بخش «پیش از آشوب» آمده است:

«سرویس‌های اطلاعاتی امریکا و رژیم صهیونیستی در سال‌های گذشته از طریق شناسایی اراذل و اوباش متردد به خارج از کشور در مراکز قمار و فساد و فحشا و ارتباط‌گیری بعدی با آنها در داخل کشور، تلاش‌های گسترده‌ای برای تزریق پول و امکانات، مسلح کردن آن‌ها به سلاح گرم و انواع دیگر تجهیزات، ارائه آموزش به طرق مختلف به منظور توانمند کردن آنان برای عملیات خرابکارانه علیه مراکز و تأسیسات مهم، راه‌اندازی آشوب و تولید خشونت علیه مردم عادی و همچنین نیروهای انتظامی و بسیج به عمل آورده‌اند. متأسفانه حضور پرحجم و اقدامات مجرمانه اراذل و اوباش و نوپدیدها در آشوب‌های اخیر کاملاً مشهود و حکایت از سازماندهی قبلی داشت.»

۷ سندیکاهای غیرقانونی

در گزارش‌هایی در روزنامه «ایران» به نقش اصناف غیرقانونی و شبه تشکل‌ها در ایجاد مطالبات کاذب و انحراف در مسیر مطالبات صنفی پرداخته شد؛ ازجمله در گزارش «پشت پرده انحراف در مطالبات فرهنگیان» به نقش گروهک‌های غیرقانونی همچون «کانون صنفی معلمان»، «سندیکای شرکت واحد» و مانند آن در تبدیل فضای صنفی و معیشتی به فضای سیاسی و امنیتی اشاره شد. بخش‌هایی همچون دانشگاه، صنعت، معلمان و حمل و نقل و مانند آنها جزو طعمه‌های سنتی سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه برای اغتشاش صنفی محسوب می‌شوند و دولت‌های با گرایش‌های لیبرال یا سوسیالیستی همواره به ظرفیت تشکل‌ها به چشم یک ابزار میانی (حد واسط ملت و حاکمیت) نگاه می‌کنند. بخش برون مرزی سرویس اطلاعاتی فرانسه قطب پیشران در شناسایی و سازماندهی اصناف غیرقانونی و بدسابقه است و سایر سرویس‌ها متفرع بر آن عمل می‌کنند؛ چراکه در زمینه مدیریت و برخورد با فضای سندیکالیستی فرانسه از تجربه بالایی برخوردار است. در آشوب اخیر و قبل از آن نیز با هدایت این گروهک‌ها به سوی تبدیل فضای صنفی به فضای سیاسی و امنیتی و پیوند میان شبه تشکل‌ها قصد داشتند طبقاتی مانند معلمان را نیز با خود همراه سازند که با شناسایی و دستگیری دو جاسوس فرانسوی، این طرح خنثی شد.

۸ تداوم سیاست فشار حداکثری توسط دموکرات‌ها

در این بیانیه به این موضوع تصریح و تأکید شده است که «دولت کنونی امریکا به رغم ادعای تغییر راهبرد نسبت به دولت قبلی، عملاً در ادامه مسیر فشار حداکثری ترامپ حرکت کرده و با توجه به شکست آن خط مشی، به تصریح خود مقامات امریکایی، حوزه‌های نوینی به آن افزوده است». نکته قابل ذکر در این خصوص، نقش اندیشکده‌هایی است که با استفاده از پیاده نظام ایرانی خود طرح‌های ضدایرانی را پیگیری می‌کنند؛ طرح‌هایی همچون تغییر شکل تحریم‌ها و تشدید آنها مواردی هستند که توسط اندیشکده‌های وابسته به حلقه نئوکان‌ها همچون «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و چهره‌های ضدایرانی مانند مارک دوبوویتز (مدیر اجرایی اف دی دی و معمار تحریم‌ها) و نیروهای پیاده نظام ایشان همچون سعید قاسمی‌نژاد و نازنین بنیادی و... دنبال می‌شوند.

۹ پیوند میان گروهک‌های تروریستی

در دهه ۹۰ و پس از ضربه جامعه اطلاعاتی کشور به گروهک تروریستی جندالله در منطقه بلوچستان، فاز نخست پشتیبانی رسمی از این گروه‌ها زمانی کلید خورد که دولت دموکرات باراک اوباما سازمان منافقین را از لیست گروه‌های تروریستی، خارج و در مرحله بعد، مقامات ارشد دولت جمهوری‌خواه ترامپ (در سطح وزیر خارجه و معاون و مشاور امنیت ملی رئیس جمهور) به‌طور رسمی در نشست‌های این گروه شرکت کردند. اما حمایت اطلاعاتی و راهبردی دولت ایالات متحده و سایر سرویس‌های غربی و صهیونیستی از گروه‌های تروریستی را نمی‌توان منحصر در پشتیبانی از گروهک نفاق دانست، بلکه چندین گروه و فرقه در نقاط مختلف مرزی و مرکزی ایران هستند که در سطوح مختلف ایدئولوژیک، اطلاعاتی، مالی و عملیاتی توسط این سازمان‌ها حمایت شده تا در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز وارد فاز عملیاتی شوند. جندالله و جیش العدل در منطقه بلوچستان، پژاک و کومله در کردستان، خلق عرب و الاهوازیه در خوزستان و گروهک‌های پان ترک در منطقه آذربایجان و شبکه خانوارهای نفاق در مناطق مرکزی کشور و... ازجمله این گروه‌ها هستند که عملکرد ایشان و شیوه‌های پشتیبانی سرویس‌های متخاصم از این جریان‌ها مقتضی تألیفی مستقل است.

اما مسأله‌ای که در اینجا نمی‌توان از ذکر آن گذشت، موضوع تلاش برای پیوند و ائتلاف میان این گروه‌های تروریستی است. این اقدام دولت ایالات متحده و سرویس‌های بیگانه دو دلالت می‌تواند داشته باشد؛ نخستین پیام آن که واضح بوده و نیاز به توضیح چندانی ندارد، ماجرای تضادها و درگیری‌ها و اختلافات بنیادی و عملی ایشان است، موضوعی که در این سال‌ها همواره مانع اشتراک نظر و عمل این گروه‌ها بوده و خود این مسأله ریشه در ماهیت فرقه‌ای این جریان‌ها دارد؛ چراکه ذات فرقه‌ها مقتضی تفرقه، انزوا، محدودیت و طرد دیگری است. اما دلالت دوم و مهم‌تر آن، پیامی است که قبل از مقامات ارشد حاکمیت، مردم ایران باید آن را دریافت کنند؛ معنای نهایی این ائتلاف‌سازی‌ها یک چیز است و آن رسیدن گروه‌های تروریستی ضدایرانی به آخرین منزل حیات خود است. دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید آخرین سرمایه‌های خود را خرج این آشوب کرده و در فاز سوم اغتشاشات اخیر (بعد از شکست دو فاز اغتشاش و اعتصاب)، چاشنی خشونت را به نقطه اوج رسانده و شکل درگیری‌ها را به جنگ مسلحانه و اقدامات تروریستی تغییر دهند؛ اقدامی که از دست گروه‌های پیشین برنمی‌آمد. زمانی وقوع این فاز، معنادارتر به نظر می‌رسد که به میزان خطرپذیری این تصمیم فکر کنیم و اینکه دولت‌های متخاصم، با این تصمیم انتحاری، گروه‌های مورد حمایت خود را به طور یکپارچه به مسلخ مقابله با جمهوری اسلامی می‌برند.